

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی نمودهای خودشکوفایی در منطق الطیر عطار بر اساس نظریه ی راجرز

استاد راهنما:

دکتر بیژن ظهیری

استاد مشاور:

دکتر حسین قمری گیوی

توسط:

زهرا محمد حسنی صغیری

دانشگاه محقق اردبیلی

پاییز ۱۳۸۹



عنوان:

بررسی نمودهای خودشکوفایی در منطق الطیر عطار بر اساس نظریه ی راجرز

توسط:

زهرا محمد حسنی صغیری

پایان نامه:

برای اخذ درجه ی کارشناسی ارشد

در رشته ی زبان و ادبیات فارسی

از

دانشگاه محقق اردبیلی

اردبیل - ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته ی پایان نامه با درجه:.....

دکتر بیژن ظهیری (استاد راهنما و رییس کمیته).....استادیار

دکتر محمد نریمانی (داور داخلی).....استادیار

دکتر علی صفایی (داور خارجی).....استادیار

دکتر حسین قمری (استاد مشاور).....استادیار

تقدیم به  
پدر و مادرم که قنوس وار، جوانیشان را خاکستری رنگ،  
وقف رستن و پرکشودنم نمودند

و

همسرم که پرواز را تا اوج، با من رهسپار شد.

**باشکرم** از اساتید بزرگوارم که همواره رهنمون زندگی علمی ام بوده اند. به ویژه جناب آقای دکتر بشیرن ظهیری که دلسوزانه، گام بایم را در این راه استوار کرده و از هیچ زحمتی دریغ نکردند. همچنین جناب آقای دکتر حسین قمری که بارها نمانی و مشاوره می سودمندشان، به بنده کمک نمودند.

و با احترام به یاد پدرم که هر چه دارم، مرهون اوست و تا بد ریشه در خاکش خواهم داشت. و مادرم که بزرگترین زن، در تاریخ زندگی من است. و با سپاس فراوان از همسرم که صبورانه در این راه، ثانیه به ثانیه نه دوشادوش، که سختی بایم را به دوش کشید. و خانواده می عزیزم، به ویژه برادرم که همواره مشوق من در این راه بودند.

ضمن تشکر از دوستان عزیز و یاران غارم، کارشناسان ارشد ادبیات، خانم بافرشته ملکی، نیره رفیعی، مریم پولادوند، سمیرا علی نیا، رقیه کریمی، و خانم مهندس زهرا حسینی را که همواره سایه حمایت و یاریشان را بر سر داشته‌ام. و همه عزیزانی که به نوعی در این راه به بنده کمک نمودند.

نام خانوادگی دانشجو: محمد حسنی صغیری	نام: زهرا
عنوان پایان نامه: بررسی نمودهای خودشکوفایی در منطق الطیر عطار بر اساس نظریه ی راجرز	
استاد راهنما: دکتر بیژن ظهیری	استاد مشاور: دکتر حسین قمری گیوی
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: زبان و ادبیات فارسی گرایش: زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه: محقق اردبیلی دانشکده: ادبیات و علوم انسانی	تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۸۹/۱۰/۱۴
تعداد صفحه: ۱۴۴	
کلید واژه ها: انسان گرایی، خودشکوفایی، منطق الطیر، عطار	
<p>چکیده:</p> <p>منطق الطیر عطار، یکی از معروف ترین آثار کلاسیک فارسی است که در کارنامه ی آثار وی، خوش درخشیده و بسیار مورد توجه می باشد. سیر پرندگان برای دستیابی به عنقا یا سیمرغ، ابتکار عطار نیست و در آثار پیش از او نیز به کرات می تواند این موضوع را ملاحظه کرد. توجه عطار به روح انسان و استفاده از این داستان، به گونه ای سمبولیک، برای دعوت انسان گم شده در دنیای دام و دانه، به کمال و خودشکوفایی، نکته ای است که اثر او را در میان آثار مشابه دیگر برجسته ساخته است. این مسأله که از دیرباز مورد توجه شاخه های مختلف علوم انسانی از جمله فلسفه، روان شناسی، ادبیات و عرفان بوده است همواره توجه بشر را به خود معطوف داشته است. در این رساله، ابتدا درباره ی تاریخچه ی گرایش به انسان یا انسان گرایی، پیدایش این تفکر و تأثیر آن بر علوم مختلف، از جمله روان شناسی صحبت خواهد شد و سپس به نظریه ی برخی از پیشگامان این تفکر در قرن اخیر اشاره خواهد شد؛ و در ادامه به معرفی روان شناسی نوع سوم یا روان شناسی انسان گرا - یکی از شاخه های علوم انسانی - خواهیم پرداخت و سپس نظریه و الگوی چند تن از پیشگامان این مکتب بیان خواهد شد؛ و در نهایت به طور اختصاصی تر، بر اساس نظریه ی راجرز، به بررسی نمودهای خودشکوفایی در منطق الطیر عطار و آوردن شاهد مثال هایی از این موضوع، و سپس بحث و نتیجه گیری پرداخته خواهد شد.</p>	

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیات.....	۱
(۱-۱) مقدمه.....	۲
(۲-۱) تعریف مسأله.....	۳
(۳-۱) سؤال های تحقیق.....	۷
(۴-۱) هدف و ضرورت تحقیق.....	۷
(۵-۱) اهداف تحقیق.....	۹
(۱-۵-۱) اهداف کلی.....	۹
(۲-۵-۱) اهداف جزئی.....	۹
فصل دوم: مواد و روش تحقیق.....	۱۰
(۲) مبانی نظری.....	۱۱
(۱-۲) اومانیزم.....	۱۱
(۲-۲) مکتب اگزیستانسیالیسم (اصالت وجود).....	۱۲
(۳-۲) مکتب انسان گرایی.....	۱۳
(۱-۳-۲) پدیدار شناسی.....	۱۴
(۲-۳-۲) روان شناسی پدیدار شناسی.....	۱۵
(۳-۳-۲) روان شناسی وجودی.....	۱۶
(۴-۳-۲) مبانی نظری روان شناسی وجودی.....	۱۶
(۵-۳-۲) نظریه های پیشگامان فلسفه ی اگزیستانسیالیسم.....	۱۸
(۱-۵-۳-۲) کی یر که گارد.....	۱۸
(۲-۵-۳-۲) مارتین هایدگر.....	۱۸

۱۹	..... کارل یاسپرس (۳-۵-۳-۲)
۱۹	..... سارتر (۴-۵-۳-۲)
۲۰	..... ویژگی های روان شناسی وجودی (۶-۳-۲)
۲۱	..... روان شناسی وجودی در آمریکا (۷-۳-۲)
۲۱	..... روان شناسی انسان گرا (۸-۳-۲)
۲۳	..... ویکتور فرانکل (۱-۸-۳-۲)
۲۴	..... آبرهام مزلو (۲-۸-۳-۲)
۲۶	..... کارل راجرز (۳-۸-۳-۲)
۳۰	..... پیشینه ی تحقیق (۴-۲)
۳۲	..... روش تحقیق (۵-۲)
۳۲	..... نحوه جمع آوری منابع (Data) (۶-۲)
۳۴	..... فصل سوم: بحث و بررسی (۴-۲)
۳۵	..... خود و تحقق خویشتن (۱-۳)
۳۷	..... خود (۱-۱-۳)
۴۶	..... شخصیت سالم و گرایش تحقق خود (۲-۱-۳)
۵۰	..... نیاز به راهبر و مراجع- محوری (۳-۱-۳)
۵۷	..... سیمرغ (۴-۱-۳)
۶۱	..... انسان با کنش کامل (۲-۳)
۶۱	..... عذر آوردن مرغان و دعوت هدهد (۱-۲-۳)
۶۲	..... نظریات کلی راجرز (۲-۲-۳)
۶۸	..... مقایسه ی فرآیند عطار و راجرز (۳-۳)
۷۱	..... خواستن (۱-۳-۳)
۷۱	..... طلب و گرایش تحقق خود (۱-۱-۳-۳)

۹۵	..... عشق (۲-۱-۳-۳)
۹۶	..... آموختن (۲-۳-۳)
۹۶	..... معرفت (۱-۲-۳-۳)
۹۸	..... استغنا (۲-۲-۳-۳)
۱۰۰	..... توحید (۳-۲-۳-۳)
۱۰۲	..... رسیدن (۳-۳-۳)
۱۰۲	..... حیرت (۱-۳-۳-۳)
۱۰۵	..... فقر و فنا (۲-۳-۳-۳)
۱۰۸	..... رسیدن به پیشگاه سیمرخ و دیدار با خود تکامل یافته (۴-۳)
۱۱۴	..... بررسی نمود های خود شکوفایی در منطق الطیر (۵-۳)
۱۱۴	..... آمادگی کسب تجربه (۱-۵-۳)
۱۱۹	..... زندگی هستی دار (۲-۵-۳)
۱۲۳	..... اعتماد به ارگانسیم خود (۳-۵-۳)
۱۲۶	..... احساس آزادی (۴-۵-۳)
۱۲۸	..... خلاقیت (۵-۵-۳)
۱۳۱	..... گروه های رویارویی (۶-۳)
۱۳۷	..... فصل چهارم: نتیجه گیری (۱۳۷)
۱۳۸	..... نتیجه گیری (۱-۴)
۱۴۱	..... پیشنهادها (۲-۴)
۱۴۲	..... فهرست منابع (۳-۴)

# فصل اول

## کلیات

## ۱-۱) مقدمه

میل به رشد و تکامل و رسیدن به کمال عاملیست که از دیرباز ذهن بشر را به خود مشغول داشته است. و سعی انسان همیشه بر این بوده که تمام توانایی ها و استعداد های خود را در راه رسیدن به مقصود به کار گیرد. سقراط در غرب فریاد «خودت را بشناس سر می دهد» و حکیم بلخی در شرق پیوسته انسان را به رهایی از کثافات دنیوی و رسیدن به خویشتن خویش و نیل به کمال انسانی می خواند؛ عطار از زبان هدهد برای مرغان از سیمرغ سخن می گوید و «عشق سیمرغ را در دلهایشان شعله ور می کند.» (پورنامداریان، ۱۳۸۲:۱۰۷)

توجه به انسان و جایگاه او در دنیای هستی، چه در مشرق و چه در مغرب زمین، آثار زیادی را به خود اختصاص داده است. در غرب به ویژه در دوره ی رنسانس توجه به انسان به عنوان مرکز کائنات، تأثیر بسزایی در زمینه ها و شاخه های مختلف علوم، به ویژه در روان شناسی، داشت. در این دوره و پس از آن، به وضوح می توان گرایش های انسان گرایانه را در حوزه ی علم روان شناسی مشاهده کرد. تا جایی که این تفکر باعث به وجود آمدن گونه ی جدیدی از روان شناسی، با نام روان شناسی انسانگرا شد.

روان شناسان انسان گرا با بیان و روشی متفاوت، تأکید بر روی جنبه های مثبت انسان و تکیه بر خویشتن و خود فرد دارند و به بحث درباره ی خودشکوفایی انسان پرداخته است. از جمله کارل رانسوم راجرز<sup>۱</sup>، که او را پدر علم روانشناسی انسانی نام نهاده اند، که با ابداع شیوه ی روان درمانی مراجع - محوری، به ارائه ی الگوهای خودشکوفایی پرداخته است.

در شرق نیز به علت وجود ادیان و مذاهب مختلف، همواره انسان به عنوان "جانشین خدا بر روی

---

1. Rogers, C

زمین " (۲/۳۰)، مورد توجه بوده و پیوسته به کمال دعوت می شده است. "از کجا آمدن"، "به کجا رفتن"، هدف از آمدن و چگونگی رفتن همیشه ذهن انسان را به خود مشغول داشته است. به ویژه در ایران که متفکران بزرگی به این مضمون ژرف پرداخته اند و انسان را به شناختن خود و خدای خود و رسیدن به مقامی که شایسته ی آن است، فرا خوانده اند.

گرایش فطری انسان به خودشکوفایی و کمال، گستره ی عظیمی از ادبیات ما را به خود اختصاص داده است. به ویژه آنجا که ادبیات به حوزه ی عرفان قدم گذاشته، و با چاشنی شریعت و طریقت آمیخته می گردد، این خصیصه بیشتر به چشم می خورد. این روندی است که تقریباً تمام عرفان و ادبیات عرفانی ما بر پایه ی آن می چرخد؛ دیدار با خویشتن خویش و شناخت خود. یکی از شاعران عارفی که به طور برجسته در بیشتر آثار خود به این مضمون پرداخته است، شیخ فریدالدین عطار نیشابوری می باشد.

اما موضوع و قصد این رساله، دست یابی به شناختی عرفانی از داستان منطق الطیر و تفکر عطار نیست؛ که از این دیدگاه، بارها و بارها به انحاء گوناگون شیخ نیشابوری و آثار وی مورد تحقیق قرار گرفته اند. در این رساله، به جستجوی روانکاوانه در منطق الطیر عطار و نقد آن با گونه ای از روانشناسی انسان گرا می پردازیم.

## ۱-۲) تعریف مسأله:

انسان فطرتاً طبیعتی کمال گرا دارد، چرا که برترین آفریده ی چرخه ایست که به طور غریزی رو به "شدن" دارد؛ تمام هستی از قوه به سوی فعل در حرکتند، و آنجا که گیاهی ضعیف برای رسیدن به آنچه که باید بشود، سنگی را می شکافد، عجیب نیست که انسان با داشتن قوه ی عقل و عشق، گرایشی به سوی یافتن کمال داشته باشد.

«می دانیم که "خود" در زبان فارسی به معنای خویش و خویشتن است و در روان شناسی بطور اجمال خود عبارت است از جزئی از روان فرد که به صورت یک کلّ سازمان یافته و به عنوان عامل یا نیرویی درونی که عمل کنترل و هدایت اعمال او را در مقابل انگیزه ها و نیازها و مانند آن ها بر عهده

دارد. نیز در تعریف خود گفته شده است: یکی از وجوه غالب تجربه ی انسان، احساس جبری وجود خویش است. چیزی که فلاسفه به طور سنتی آن را مسأله ی هویت شخصی یا خود نامیده اند.» (شریعت باقری، ۱۳۸۷: ۱۲)

«اما اصطلاح "خود شکوفایی"، برای اولین بار توسط کورت گولد اشتاین<sup>۲</sup> به کار رفت. خود شکوفایی از نظر گولد اشتاین در واقع همان انگیزه ی واقعی فرد است و سایر انگیزه ها صرفاً تجلی آن به حساب می آیند.» (سلیگمن و روزنهان، ۱۳۸۲: ۷۶) فیلسوفان اگزیستانسیالیست<sup>۳</sup> نیز تعابیر خاصی نسبت به خود شکوفایی دارند.

اگزیستانسیالیست مکتبی است که به بحث پیرامون انسان و هستی پرداخته و مسایل اساسی زندگی را از دیدگاه اصالت وجود، مطرح می کند. در این مکتب «انسان در اصل و ماهیت دارای هیچ خصیصه ی فطری نیست، بلکه از آنچه در عالم وجود کسب می کند، تشکیل شده است. یعنی بشر را کارها و رفتارها و محیطش می سازد. آدمی با کارهایی که در عالم وجود انجام می دهد، می تواند برای خودش ماهیتی بسازد و بدون هیچ قید و بندی، خود برای خود شخصیتش را بسازد.» (علایی ایلخچی، ۱۳۸۵: ۱۴)

«که گارد<sup>۴</sup> پدر اگزیستانسیالیسم، تأکید بر فرد دارد و چگونگی رسیدن فرد به زندگی رضایت بخش را بر پایه ی شکوفایی فردی و به کمال رساندن نفس می داند.» (همان: ۱۷-۱۶)

«رولومی<sup>۵</sup> در کتاب کشف هستی مفهوم "اراده ی معطوف به قدرت" در بیان نیچه<sup>۶</sup>، که همان خودشکوفایی است را "تحقق خود به کامل ترین شکل آن" می داند.» (همان: ۷۸)

در روانشناسی انسان گرا ما با بیان و روشی متفاوت مواجه می شویم. از جنبه های مثبت انسان

---

1 Self-actualization  
2 Goldstein,K  
3 Existansialist  
4 kegard  
5 Rolowmi  
6 Niche

بحث می شود و روش های علمی به معنای خاص آن مانعی برای مطالعه ی کلّ جنبه های انسان تلقی می شود. سعی این نوع روانشناسی تکیه بر "خود" انسان است. « مؤلفه ی خودشکوفایی بعد از پنجاه سال از فرمول بندی اولیه ی آن توسط راجرز (۱۹۵۱) و مزلو<sup>۱</sup> (۱۹۵۴) هنوز هم به عنوان مؤلفه ای تأثیرگذار، دارای کاربرد های مهم برای روانشناسی و دارای ارزش اکتشافی بالا قلمداد می شود.

مزلو، خود شکوفایی را به عنوان کاوش و استفاده ی کامل از استعداد ها، ظرفیت ها و نیروهای بالقوه می داند. راجرز، خودشکوفایی را به عنوان تمایل ذاتی ارگانیسم برای توسعه ی همه ی ظرفیت هایش، برای نگهداری و کمال ارگانیسم می داند. « (سلیگمن و روزنهان، ۱۳۸۲: ۷۹)

عرفان حوزه ای است که همواره انسان را به سوی شناخت خود و فارغ شدن از نقصان بشریت فرا خوانده است، تا در سایه ی این شناخت به مرتبه ی معرفت ذات باریتعالی - که عصاره ای از آن فطرت انسان است - برسد. چنانچه ذکر شد، عطار از جمله شاعران عارفی است که « مضمونمایه ی اصلی داستان های جامع و اصلی کتاب های منطق الطیر و مصیبت نامه و نیز بسیاری از غزل های وی و نیز تمثیل های متعددی از مثنوی هایش در گونه های مختلف دیدار با خویشتن خویش است و این نشان می دهد که این موضوع همانطور که مورد توجه دیگر عارفان قرن ششم بوده، از اشتغالات برجسته ی ذهن عطار نیز بوده است. « (پورنامداریان، ۱۳۸۲: ۱۰۴) به خصوص در منطق الطیر که « مرغان رمز ارواح آدمیان اند. « (همان: ۱۰۸). « اشاره هایی که در الهی نامه و اسرار نامه در زمینه ی دیدار با خویش می آید، در منطق الطیر موضوع اصلی داستان جامع کتاب را تشکیل می دهد. خطاب عطار به مرغان در مقدمه ی منطق الطیر، خطاب به روح است. روحی که با وجود داشتن استعداد ها و قوت های ماوراء طبیعی در زندان جهان و نفس و تن اسیر شده است. « (همان: ۱۰۴)

همانطور که به گونه ای گذرا اشاره شد - و به تفصیل به آن خواهیم پرداخت - موضوع اصلی کتاب منطق الطیر، « شناخت حقیقت نفس خود و معرفت به عظمت استعدادهای بیکرانه ی پنهان در وجود شخص است که اسارت در زندان آب و گل، مرغان را از وجود و شناخت خود غافل کرده بود. « (همان: ۱۲۷).

---

1 Maslow

نتیجه‌ی کوشش مرغان دیدار با "من" برتر خویش و بعد روحانی و متعالی خود در هیئت شکوهمند سیمرغ است. و در نهایت آنچه مرغان می‌بینند، تصویر خودشان است. یعنی کمال گم شده‌ای که در درون خودشان وجود داشت و آنها به دنبال آن در عالم خارج بودند، اما با طی سختی‌ها و قبول رنج‌ها در می‌یابند که برای رسیدن به این کمال، باید خود را دریابند. چنانکه «سی مرغ چون به سیمرغ می‌نگرند، خود را می‌بینند، و چون به خود می‌نگرند، سیمرغ را می‌بینند.» (همان: ۱۱۵)

با این تفاسیر ارتباطی که این رساله در پی شناخت آن برآمده است، میان تفکر عطار و تفکر خود شکوفایی به عنوان یکی از مؤلفه‌های نظری اصلی در روان‌شناسی انسان‌گرا، روشن‌تر خواهد شد. و به طور خاص می‌توان گفت که در این رساله، سعی نگارنده بر، شناخت الگوهای خود شکوفایی راجرز، که از سردمداران نظریه‌ی خود شکوفایی به شمار می‌رود، در منطق الطیر عطار می‌باشد.

«راجرز معتقد بود که ما از ماهیتی اساساً سالم و گرایش فطری به رشد و شکوفایی همه‌ی جنبه‌های هستی خود برخورداریم تا به چیزی تبدیل شویم که قادر به شدن آن هستیم. بر طبق نظر راجرز، تبدیل شدن به انسانی با کارکرد هدف کامل، هدف نهایی مطلوب رشد روان‌شناختی و تکامل اجتماعی است. شاید ویژگی اصلی این انسان خود شکوفا، آگاهی او از همه‌ی تجربه‌ها باشد. هیچ تجربه‌ای به هیچ وجه، قطع، تحریف یا انکار نمی‌شود. همه‌ی آنها از طریق خود‌پالایش می‌شود.» (شولتز<sup>۱</sup>: ۱۳۸۴: ۴۰۳ و ۴۰۵)

و این تجربه همان است که مرغان در طی هفت وادی برای رسیدن به حقیقت وجودی خود، به عینه تجربه می‌کنند و گریز و گزیری از آن نیست. راهی که به هیچ وجه از پیش تعیین شده و تعریف شده نیست، دشواری‌های زیادی در پی دارد اما گذر از آن برای رسیدن به سیمرغ، الگویی واحد، که جز خودشان نیست و در واقع در خود سی مرغ، نهفته است، لازم است.

«راجرز نیز معتقد بود که خود یا خویشتن اگرچه سیال است، در شکل آرمانی، یک الگوی هماهنگ و یک کلّ سازمان یافته است. بدین ترتیب همه‌ی جنبه‌های خویشتن به سوی هماهنگی و ثبات می‌کوشند.» (همان: ۴۰۰) به عقیده‌ی وی «هدف زندگی، تنها حفظ توازن و تعادل یا آسودگی و

---

1 Schultz

سکون و آسایش فراوان نیست. جهت ما به پیش و به سوی هدف پیچیدگی افزایش یافته ی کنش و کارکرد کامل است، تا بتوانیم به آنی که در توان ماست تبدیل شویم. « (شولتس، ۱۳۸۲: ۴۳)

اما این تحقق خود پیش می رود، هیچ گاه پایان نمی پذیرد، و وضعیتی ایستا ندارد. « این هدف رو به آینده، فرد را پیش می راند و همه ی جنبه های خود را دگرگون می سازد و می پروراند. یعنی مسیر است، نه مقصد.» (شولتس، ۱۳۸۲: ۴۸) چنانکه « سیمرغ در داستان منطق الطیر رمز حق است، اما نه حق مطلق، بلکه حق و خدای شخصی سی مرغ. حق متجلی به اقتضای استعداد سی مرغ؛ و به همین جهت است که با نام و چهره ی سیمرغ بر آنان متجلی می گردد.» (پورنامداریان، ۱۳۸۲: ۱۱۴) و چنانچه دیده می شود حضرت سیمرغ آینه است و سرانجام مرغان "خودشان" را در آینه می بینند.

### ۱-۳) سؤال های تحقیق:

- ۱- مفهوم "خودشکوفایی" چیست و چه نسبتی با ادبیات (به خصوص ادبیات عرفانی) دارد؟
- ۲- از دیدگاه عطار، کسب تجربه های شخصی در رسیدن به خودشکوفایی چه کمکی به فرد می کند؟
- ۳- مفهوم زندگی هستی دار در انسان خود شکوفا از منظر عطار چیست؟
- ۴- به اعتقاد عطار، اعتماد به ارگانسیم فردی چه تاثیری در رسیدن به خودشکوفایی دارد؟
- ۵- تأثیر احساس آزادی در تکمیل شخصیت فرد خودشکوفا از نظر عطار تا چه حد است؟
- ۶- در منطق الطیر عطار، انسان خود شکوفا تا چه اندازه برای زندگی در شرایط محیطی مختلف، خلاقیت داشته و با محیط پیرامون خود چگونه برخورد می کند؟
- ۷- شباهت ها و تفاوت های الگوهای خودشکوفایی راجرز، با منطق الطیر عطار در چیست؟

### ۱-۴) هدف و ضرورت تحقیق:

انسان همواره در پی شناخت « خویشتن خویش» بوده است و هیچ چیز در نظر وی شیرین تر و مهم تر از این نبوده است که خود را در غایت کمال بیابد. گویا اولین مجموعه ی عجیبی که چشم بدان گشوده است، وجود خود بوده است. اما انسان هرچه بیشتر خود را می شناسد و به توانایی های خود پی می برد، نیاز به کمال و رشد را در وجود خود بیشتر حس می کند. بنابر این توجه فراوان اندیشمندان و

بزرگان ادب و فرهنگ ما - از جمله عطار- و اختصاص یافتن موضوع بزرگترین آثار مکتوب آنها، به این مسأله بی جهت نیست. « اصول نظریه پردازی راجرز نیز بر این امر مبتنی است که او سعی می کند به فرد کمک کند تا استعدادهای بالقوه ی خود را شکوفا سازد.» (ا.راس، ۱۳۸۲:۱۲۹)

این سیر، سیری است که کائنات، جمله در آن سیلان دارند. « میل به خودشکوفایی، نه فقط در انسان ها بلکه در همه ی موجودات زنده دیده می شود. راجرز اصطلاح هایی از قبیل سرسختی زندگی و جلو راندن زندگی را به کار می برد که باور او را به وجود نیروهای غیبی غیر قابل مقاومتی نشان می دهد که باعث می شوند هر موجود زنده ای، نه فقط بعضی اوقات تحت شرایط خصمانه بقا پیدا کند، بلکه همچنان سازگار شود، رشد کند و نمو یابد.» (شولتس، ۱۳۸۴:۳۹۸)

« اصل خودشکوفایی موجب ترغیب فرد به حفظ تلاش بیشتر است و این که امکان دارد در آینده به چیزهایی به مراتب بهتر و بزرگ تر برسد.» (ا.راس، ۱۳۸۲:۱۲۹) پس بیهوده نیست که همه ی خردمندان تکیه بر "خود" کرده و انسان را که تنها وارث عقل و روح در زمین است، به شناخت و شکوفایی هرچه بهتر و بیشتر خویش فرا خوانده اند و انسان خودشکوفا را بر تمام کائنات برتری و تسلط داده اند:

تا کنون فرمان پذیرفتی ز شاه      بعد از این، فرمان رساند بر سپاه  
تا کنون اختر اثر کردی در او      بعد از این باشد امیر اختر او  
(۱۰۷۶/۱-۱۰۷۵)

تفکر و مطالعات بیشتر درباره ی نیل به کمال، و به بیانی علمی تر خود شکوفایی و راه های رسیدن به این مرتبه، می تواند ما را بیشتر به هدف نزدیک کرده و در رسیدن به آن یاریمان کند؛ و پیوسته منظور دانشمندان و بزرگان از تلاش و کوشش همین بوده است. ما نیز می توانیم با ایجاد نگرشی جدید در خود، نسبت به آثار ادبی کشورمان، بینشی علمی تر بدست آورده، به شکل علمی تر، به باز خوانی متون ادبی خود پردازیم و با این کار گامی مؤثر در جهت توسعه ی رشته های بینا رشته ای، از جمله موضوعات روانشناسی - ادبیات، که شامل این رساله نیز می شود، برداریم.

## ۱- ۵) اهداف تحقیق عبارتند از:

### ۱- ۵- ۱) اهداف کلی:

- ۱- شناخت دیدگاه راجرز نسبت به خودشکوفایی و الگوهای پیشنهادی وی برای رسیدن به کمال فردی.
- ۲- شناخت الگوهای رسیدن به کمال از دیدگاه عطار در منطق الطیر.
- ۳- مقایسه ی الگوهای راجرز با الگوهای عطار و تشخیص خودشکوفایی بر مبنای الگوهای راجرز در منطق الطیر.

### ۱- ۵- ۲) اهداف جزئی:

- ۱- تبیین مفهوم "خودشکوفایی" و نسبتی که با ادبیات (به خصوص ادبیات عرفانی) دارد.
- ۲- تعیین میزان اهمیتی که عطار در رسیدن به خودشکوفایی به مفهوم «کسب تجربه های شخصی» داده است.
- ۳- تعیین میزان اهمیتی که عطار در رسیدن به خودشکوفایی به مفهوم «زندگی هستی دار» داده است.
- ۴- تعیین میزان اهمیتی که عطار در رسیدن به خودشکوفایی به مفهوم «اعتماد به ارگانسیم فردی» داده است.
- ۵- تعیین میزان اهمیتی که عطار در رسیدن به خودشکوفایی به مفهوم «احساس آزادی» داده است.
- ۶- تعیین میزان اهمیتی که عطار در رسیدن به خودشکوفایی به مفهوم «خلأقیت» داده است.
- ۷- یافتن شباهت ها و تفاوت های الگوهای خود شکوفایی راجرز با منطق الطیر عطار.

# فصل دوّم

مواد

و

روش تحقیق

## ۲) مبانی نظری

### ۲-۱) اومانیسم

تأکید مکتب های فکری مدرن و معاصر بر انسان، امر جدیدی که از ابتکارات فیلسوفان و اندیشمندان این مکاتب برخاسته باشد، نیست. معمولاً مورخان فلسفه، آغاز چنین نگرشی را به سقراط، فیلسوف شهیر یونان باستان، نسبت می دهند. اهتمام فلاسفه ی پیش از وی، بر «جهان شناسی» و یافتن عنصر اولیه ی موجودات بود، ولی او با شعار "خودت را بشناس" ، - اصلی که در معبد دلفی بر او القا شده بود - هدف اصلی فلسفه را «انسان شناسی» قرار داد. با این وجود، تأکید بر "خودشناسی" تاریخی طولانی تر دارد و می توان گفت، از هنگامی که بشر پا به عرصه ی وجود گذاشته است، با پرسش های متعددی درباره ی خود و جهان اطرافش رو به رو بوده است و همواره ادیان الهی او را به خودشناسی و توجه به خویشتن حقیقی اش فرا خوانده اند. بر همین اساس، فلاسفه و اندیشمندان مسلمان نیز انسان شناسی و خود شناسی را هدفی مهم دانسته و بحث های متعددی را به این امر اختصاص داده اند.

«انسان»، «جهان» و «خدا» موضوعات عمده ی تفکر غربی را از آغاز تاریخ مکتوب آن تشکیل می داده است. «(ایلخچی، ۱۳۸۵: ۸) توجه زیاد فلسفه ی غرب و کلیسای متعصب کاتولیک، به مسائل ماوراء طبیعه، انسان و مسائل مربوط به زندگی و دنیای درونی، وی را تا حدی از منظر توجه دور داشت. «باید اعتراف کرد که فلسفه ی سنتی غرب، منحصرأً به جنبه های متافیزیکی هستی، به جوهر و به جهان عینی خارجی نظر دارد و در نتیجه از کنار پرسش هایی نظیر زندگی، رنج و مرگ بی توجه گذشته است. «(میزیاک و سکستون، ۱۳۷۶: ۶۵۹) اساس گرایش به انسان، از دوره ی رنسانس<sup>۱</sup> به بعد، اصول "خرد" و "آزادی بوده است. در ذهنیت پیش از دوره ی رنسانس، امکان و تصور آزادی و رستگاری انسان،

---

1 Renaissance